

The Relationship Between the Iraqi State and The Militia Groups After 2014 (Case Study of Hashd Al-Shaabi)

Ahmad Zarean*

Assistant Professor, Department of Regional Studies
and International Relations, Imam Hussein
University, Tehran, Iran.

Abstract

After the massive and sudden attack of ISIS on Iraq, the existence of the Iraqi state and nation and the sanctities of Muslims were under serious threat. While ISIS was approaching gates of Baghdad and the Iraqi army and security forces were not able to deal with it, with Ayatollah Sistani's fatwa regarding jihad to confront ISIS and ward off this real danger, a defense-security organization called Hashd al-Shaabi, consisting of volunteers People and militia groups, which are considered the military arm of Iraqi political parties and currents, were formed. The Iraqi state, which was in a state of emergency, supported the formation of this new defense-security organization and provided it with financial, logistical and weapons support. With the threat of ISIS removal and the end of state of emergency, the existence of such an organization, which is mainly controlled by militia groups, has become a significant challenge for Iraqi state, which seeks to obtain a monopoly on the use of legitimate force. Therefore, after 2014, all heads of the Iraqi government have tried to prevent the formation of a parallel defense-security institution outside the government's control by adopting different strategies. This article, in which the data has been collected by referring to library and online sources and explained and analyzed with a descriptive-analytical method, seeks to find an authentic answer to this question: "The relationship between the Iraqi government and Hashd al-Shaabi and its constituent militia groups. How has it been?" The findings of the article show that the relationship between the Iraqi government and the militia groups was subject to the requirements of the time in such a way that in emergency and threatening situations, the government used the capacity of these groups and in the absence of these conditions, these groups were considered by the government as a disturbing, undesirable and threatening element, a range of control policies and strategies have been applied to them by the Iraqi government. In the post-crisis era, the Iraqi government, as a system actor that considers itself committed and


* A.zarean@chmail.ir

How to Cite: Zarean, A. (2023). The Relationship Between the Iraqi State and The Militia Groups After 2014 (Case Study of Hashd Al-Shaabi). *State Studies*, 9(33), 35-73. doi: 10.22054/tssq.2023.70127.1326.

accountable to the existing rules, norms and order, cannot support the anti-systemic actions of the militia groups that it cooperated with and supported during the ISIS crisis in the form of Hashd al-Shaabi. Therefore, since 2014, the governments of Haider al-Abadi, Adel Abdul Mahdi and Mostafa Al-Kazemi have tried to control these groups as much as possible through adopting a series of strategies and measures. Among the four strategies of repression, containment, collusion and integration, these governments have put two strategies of collusion and integration on their agenda. The reason for choosing these two strategies is that, firstly, Hashd al-Shaabi and its constituent groups are still considered strategic allies of the government, and the political currents of which these groups are considered as their military arm participate in the political process and in the formation of the government. Secondly, even if these groups strongly deviate from the government's criteria and the relationship between the militia groups turns from reconciliation to conflict, the Iraqi government does not have the ability to restrain or suppress these groups. In the collusion strategy, the Iraqi government tries to relatively control the actions of Hashd al-Shaabi groups by granting some concessions and through financial and logistical support tools. As well, in the integration strategy, the Iraqi government has put the recruitment of the Hashd al-Shaabi and its integration in the official Iraqi defense-security structures on its agenda, and the heads of the Iraqi government have issued orders and adopted measures in this regard. Collusion and integration strategies have not been able to be fully and effectively implemented due to the resistance and opposition of the commanders of the militia groups and their insistence on their organizational independence and ideological and identity foundations, and these two strategies have only been implemented superficially and formally.

Keywords: Hashd Al-Shaabi, Iraq, ISIS, Militia Groups, Modern State.

رابطه دولت عراق و گروه‌های شبه‌نظامی پس از ۲۰۱۴ (مطالعه موردی حشدالشعبی)

احمد زارغان  * استادیار مطالعات منطقه‌ای و بین‌الملل دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.

چکیده

پس از تهاجم گسترده داعش به عراق، موجودیت دولت و ملت عراق و مقدسات مسلمانان در معرض تهدید جدی قرار گرفت. درحالی‌که داعش به دروازه‌های بغداد نزدیک می‌شد و ارتش و نیروهای امنیتی عراق قادر به مقابله با آن نبودند با فتوای آیت‌الله سیستانی مبنی بر جهاد کفایی برای مقابله با داعش و دفع این خطر بالفعل، یک سازمان دفاعی-امنیتی به نام حشدالشعبی متشکل از داوطلبان مردمی و گروه‌های شبه‌نظامی که بازوی نظامی احزاب و جریان‌های سیاسی عراقی محسوب می‌شوند تشکیل شد. دولت عراق که در شرایط اضطرار قرار گرفته بود از تشکیل این سازمان دفاعی-امنیتی جدید حمایت و از آن پشتیبانی مالی، لجستیکی و تسلیحاتی کرد. با دفع خطر داعش و پایان شرایط اضطراری، وجود چنین سازمانی که عمدتاً تحت کنترل گروه‌های شبه‌نظامی قرار دارد برای دولت عراق که به دنبال کسب انحصار اعمال زور مشروع است به یک چالش مهم تبدیل شده است. از این رو، همه رؤسای دولت عراق پس از ۲۰۱۴ تلاش کرده‌اند از طریق اتخاذ راهبردهای مختلف مانع از شکل‌گیری یک‌نهاد دفاعی-امنیتی موازی خارج از کنترل دولت شوند. این مقاله که در آن، داده‌ها با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و برخط گردآوری شده و با روش توصیفی-تحلیلی مورد تبیین و تحلیل قرار گرفته‌اند. به دنبال یافتن پاسخی معتبر به این سؤال است: رابطه دولت عراق با حشدالشعبی و گروه‌های شبه‌نظامی تشکیل‌دهنده آن چگونه بوده است؟ یافته‌های مقاله نشان می‌دهد رابطه دولت عراق با گروه‌های شبه‌نظامی تابعی از مقتضیات زمانی بوده است به گونه‌ای که در شرایط اضطراری و تهدیدآمیز، دولت از ظرفیت این گروه‌ها استفاده کرده و در فقدان این شرایط، این گروه‌ها از سوی دولت همچون عنصری مزاحم، نامطلوب و تهدیدزا تلقی شده و طیفی از سیاست‌ها و راهبردهای کنترلی از سوی دولت عراق در مورد آن‌ها اعمال شده است.

واژگان کلیدی: حشدالشعبی، داعش، دولت مدرن، عراق، گروه‌های شبه‌نظامی.

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و توسعه ایدئولوژی این انقلاب در محیط پیرامونی، گروه‌های مختلفی که از انقلاب اسلامی تأثیر پذیرفته بودند به منشأ تأثیرات عمیقی در منطقه غرب آسیا تبدیل شدند. این گروه‌ها که به لحاظ هویتی، بخش‌های قابل توجهی از جوامع خود را نمایندگی می‌کردند با تعریف و تعیین غیرت‌هایی مانند آمریکا (نظام سلطه)، صهیونیسم و حکومت‌های غیر دموکراتیک سازش‌کار با رژیم صهیونیستی و وابسته به آمریکا، به نیروهای ضد سیستم در داخل واحدهای سیاسی یا در کل منطقه تبدیل شدند. برخی از این گروه‌ها به دلیل بافتار اجتماعی و فرهنگ سیاسی - اجتماعی محیط کنش که در آن، برخورداری از قدرت نظامی یک فضیلت یا یک ضرورت به شمار می‌رود واجد مقادیر معتابه‌ای از قدرت نظامی شدند. برخی دیگر نیز به دلیل فشار سیستم که امکان کنشگری نرم را از این گروه‌ها سلب می‌کرد، به‌ناچار مشی مسلحانه را اتخاذ کردند. سازمان بدر در عراق و حزب‌الله در لبنان دو نمونه از گروه‌های مسلحی هستند که در زمان تأسیس خود به‌مثابه نیروهای ضد سیستم به ترتیب علیه حاکمیت رژیم بعث عراق و اشغالگری رژیم صهیونیستی کنشگری می‌کردند.

حشدالشعبی در عراق نیز نمونه‌ای از گروه‌های نظامی است که در سال ۲۰۱۴ با فتوای جهاد کفایی مرجعیت عالی شیعیان عراق، باهدف مبارزه با تهدید عینیت یافته داعش تشکیل شد. حشدالشعبی که ساختار و استعداد نیروی انسانی اصلی آن را گروه‌های مسلح عراقی وابسته به نیروهای سیاسی عراقی مانند سازمان بدر، عصاب اهل الحق، جریان صدر و غیره تشکیل می‌دهند نقش مهمی در دفع تهدید داعش و حفاظت از ملت، دولت و اماکن مقدسه عراق ایفا کردند. از آنجا که در سال ۲۰۱۴، به دلیل حملات و پیشروی‌های برق‌آسای داعش از یک سو و ناکارآمدی ارتش و دستگاه‌های امنیتی از سوی دیگر، موجودیت دولت در معرض نابودی و فروپاشی قرار گرفته بود دولت عراق از تشکیل این ساختار و سازمان دفاعی - امنیتی جدید استقبال و از آن حمایت کرد. با این حال، پس از رفع وضعیت اضطراری و دفع نسبی تهدید، تداوم این سازمان با اما و اگرهایی از سوی دولتمردان و نیروهای سیاسی

مشارکت‌کننده در دولت مواجه شد تا حدی که برخی از سیاسیون و مقامات عراقی خواستار انحلال حشدالشعبی یا ادغام آن در ساختارهای دفاعی و امنیتی عراق شدند. استفاده دولت‌ها از ظرفیت گروه‌های شبه‌نظامی در مواجهه با تهدیدات مشترک ممکن است به افزایش مشروعیت و قانونیت این گروه‌ها منجر شود. از سوی دیگر، استفاده ابزاری و موسمی دولت‌ها از این گروه‌ها در شرایط اضطراری و تضعیف و نابودی آن‌ها در شرایط نرمال، مسئله مهمی است که باید به آن توجه کرد و آن را مورد مطالعه و بررسی قرارداد؛ به‌ویژه آن‌که این گروه‌ها عمدتاً در جبهه منطقه‌ای مقاومت تعریف می‌شوند. این مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال است که رابطه دولت عراق با حشدالشعبی و گروه‌های شبه‌نظامی تشکیل‌دهنده آن پس از ۲۰۱۴ چگونه بوده است؟ این مقاله برای پاسخ به این سؤال، سازمان حشدالشعبی عراق را به‌عنوان واحد مطالعه خود برگزیده است. در این مقاله برای پاسخ به سؤال تحقیق، از راهبرد اکتشافی، برای جمع‌آوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای و برخط و برای تحلیل یافته‌ها از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. با توجه به ماهیت داده‌ها و ابزار گردآوری، این مقاله در زمره پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

«ریناد منصور» و «فالح عبدالجبار» در پژوهشی با عنوان «حشدالشعبی و آینده عراق»^۱ که در سال ۲۰۱۷ برای موسسه «کارنگی»^۲ انجام داده‌اند، سه مجموعه شبه‌نظامی شامل نیروهای حشدالشعبی، نیروهای پیشمرگه کرد و جنگجویان عشایر سنی را در کاهش توانایی دولت عراق در اعمال انحصاری و قانونی زور مؤثر دانسته و معتقدند از سال ۲۰۰۳ به بعد، یکی از چالش‌های اصلی دولت عراق، تنظیم رابطه بین دولت مرکزی و قدرت‌های نظامی غیردولتی بوده است (Mansour & Abdul Jabbar, 2022, p. 11).

۱. الحشد الشعبي ومستقبل العراق

«مایکل نایتز»^۱ در پژوهشی با عنوان «احیای مجدد همکاری امنیتی ایالات متحده در عراق»^۲ که در سال ۲۰۱۵ برای «موسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک»^۳ انجام داد پیش‌بینی کرد با حل بحران داعش، ایران قادر خواهد بود تا به واسطه شبکه نیروهای خود، یک پهنه جغرافیایی با ۳۶ میلیون جمعیت و شبکه تولید نفت در آن را حداقل برای مدت یک دهه تحت کنترل خود درآورد. نویسنده با تلقی حزب‌الله سازی از تشکیل حشدالشعبی، پیش‌بینی کرد حزب‌الله سازی به عراق محدود نخواهد شد و شبکه عراقی ایجادشده توسط ایران، هر چند که از سال ۲۰۱۱ در سوریه نیز حضور داشته است، اما از سال ۲۰۱۶ به‌طور جدی تعیین سرنوشت این جبهه را برعهده گرفته و به سایر نقاط در منطقه خلیج فارس نیز سرایت خواهد کرد. این پژوهش توصیه کرده است که آمریکا باید برنامه‌ای برای «پیش‌گیری از حزب‌اللهی شدن عراق» را در دستور کار خود قرار دهد (Knights, 2015).

«عبدالله الجبور» در مارس ۲۰۲۱ در پژوهش تحلیلی با عنوان «حشدالشعبی در عراق: بین موازنه‌های منطقه‌ای و متغیرهای محلی»^۴ که برای «بنیاد فردریش ایبرت»^۵ اردن تهیه کرده، حشدالشعبی را در دو بعد داخلی و خارجی بررسی نموده است. در بعد داخلی، نویسنده این پژوهش نتیجه گرفته در اثر تعدد گروه‌های مسلح در عراق، این کشور دچار هرج و مرج شده و از این رو لازم است دولت عراق قوانینی برای نظارت و کنترل بیشتر این گروه‌ها و جلوگیری از تأمین مالی خارجی آن‌ها تدوین کند (Jabbour, 2021, p. 25).

«امیرحامد آزاد» در مقاله‌ای با عنوان «الگوی تشکیل و تحدید حشدالشعبی در عراق» این فرضیه را مورد بررسی قرار داده است که حشدالشعبی بر اساس ضرورت در عراق شکل گرفت؛ اما گروه‌بندی‌های سیاسی-مذهبی داخلی و دشواری کنترل عملکرد آن توسط دولت مرکزی، ریسک این سازمان را برای دولت عراق افزایش داده است. از این رو، دولت عراق به سمت اتخاذ سیاست کنترل و تضعیف حشدالشعبی از طریق اقداماتی مانند

1. Michael Knights

2. Rebooting U.S. Security Cooperation in Iraq

3. Washington Institute For Near East Policy

۴. الحشدالشعبی فی العراق: بین التوازنات الاقليمية و المتغيرات المحلية

5. Friedrich-Ebert Stiftung

کوچک‌سازی و انتظام بخشی به سازمان، کنترل تحرک زمینی یگان‌ها و نگهداری و به‌کارگیری تسلیحات سوق داده‌شده است (Azad, 2020, p. 79).

همه پژوهش‌های فوق، در مورد تلقی تهدیدآمیز دولت مرکزی عراق نسبت به حشدالشعبی در دوران پسا‌داعش اتفاق نظر دارند و هر کدام، سیاست‌ها و راهبردهای مختلفی را به دولت عراق پیشنهاد نموده یا نوع مواجهه دولت عراق با حشدالشعبی را پیش‌بینی کرده‌اند. پژوهش حاضر ضمن پذیرش این پیش‌فرض که دولت عراق - به دلیل آن‌که حشدالشعبی را یک مانع جدی در مسیر انحصاری شدن حق استفاده از زور مشروع توسط دولت می‌داند - تلقی تهدیدآمیزی نسبت به حشدالشعبی دارد تلاش می‌کند سیاست‌ها و راهبردهای دولت عراق نسبت به گروه‌های نظامی تشکیل‌دهنده حشدالشعبی را با رویکردی متفاوت و از منظری دیگر مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.

مبانی نظری

دولت مدرن

سنخ آرمانی «دولت مدرن»^۱ را می‌توان بر اساس مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی که «ماکس وبر»^۲ تعیین کرده است تعریف کرد. دولت در تعریف وبری آن عبارت است از یک نهاد سیاسی خاص که مدعی انحصار نسبتاً موفق اعمال زور به شکل مشروع در یک قلمرو معین. بر اساس این تعریف، زور، قلمرو، انحصار و مشروعیت، عناصر اصلی نهاد دولت به شمار می‌روند. هر یک از این عناصر به تنهایی شرط لازم تشکیل دولت محسوب می‌شوند و شرط کافی تشکیل دولت، حضور توأمان همه آن‌ها در کنار یکدیگر است. برای تشکیل یک نهاد سیاسی به نام دولت، این عناصر چهارگانه باید با نسبت و ارتباط خاصی در کنار یکدیگر قرار گیرند (Gulmohammadi, 2015, p. 77).

دولت مدرن دارای ویژگی‌هایی است که این ویژگی‌ها آن را از سایر اشکال حکمرانی مانند دولت-شهرها، امپراتوری‌ها و نظام‌های قبیله‌ای متمایز می‌کنند:

-
1. Modern State
 2. Max Weber

- قلمرو جغرافیایی معین و مشخصی دارد که در آن اعمال قدرت می‌کند؛
- دارای حاکمیت است به نحوی که از مداخله خارجی مصون می‌ماند؛
- دارای حکومتی است که قادر است قلمروی جغرافیایی و مردم ساکن در آن را به طور مستقیم اداره یا کنترل کند؛
- دارای مرزهایی ثابت است که توسط سایر دولت‌ها به رسمیت شناخته شده است؛
- از کاربرد انحصاری و مشروع اجبار فیزیکی (زور) بر قلمرو و مردم ساکن در آن برخوردار است؛
- از نوعی احساس هویت مشترک ملی میان ساکنان کشور برخوردار است؛ هویتی که در تاریخ و فرهنگ مشترک، زبان، مذهب و سنت‌ها ریشه دارد؛
- قادر است به فرمان‌بری و وفاداری ساکنان کشور تکیه کند (Griffiths, 2015, p. 503).

گروه‌های شبه‌نظامی

از گروه شبه‌نظامی^۱ تعاریف و تقسیم‌بندی‌های مختلفی به عمل آمده است. در برخی تقسیم‌بندی‌ها، گروه شبه‌نظامی را یک سازمان رزم متشکل از سربازان داوطلب و غیرحرفه‌ای که به صورت پاره‌وقت خدمت نموده و در صورت نیاز، انواع خدمات به‌ویژه در حوزه نظامی و امنیتی به دولت ارائه و به سازمان رزم اصلی کمک می‌کنند، تعریف شده است. سازمان بسیج در ایران نمونه بارزی از این تعریف است. در یک تعریف دیگر، گروه شبه‌نظامی عبارت است از یک نیروی مسلح نامنظم غیردولتی که رهبر یا رهبران خود را قادر می‌سازد تا در عرصه‌های مختلف نظامی، امنیتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی-اجتماعی کنشگری نموده و اراده خود را محقق و منافع خود را تأمین کنند. در این تعریف، ممکن است گروه شبه‌نظامی بر بخشی از قلمروی جغرافیایی یک دولت یا بخشی از حوزه‌های وظایف و اختیارات آن، اعمال حاکمیت کند. در این تقسیم‌بندی، دولت نسبت به گروه شبه‌نظامی می‌تواند موضع موافق و حمایتی یا بی‌طرف یا مخالف داشته باشد.

1. Militia group

اکثر گروه‌های شبه‌نظامی در کشورهایی با «دولت شکست‌خورده»^۱ کشورهای اشغال‌شده، کشورهای مستعمره و کشورهایی که گروه‌های اجتماعی (قومی، مذهبی، نژادی و غیره) یا سیاسی دچار بحران هویت هستند شکل گرفته‌اند. در هر صورت، گروه‌های شبه‌نظامی غیردولتی، رقیبی برای دولت مدرن محسوب می‌شوند که اقتدار و حاکمیت آن را به چالش می‌کشند (Jones, 2012: 1).

روابط شبه‌نظامیان با دولت

با ظهور بازیگران غیردولتی و افزایش تعداد آن‌ها، روابط بین بازیگران که تا پیش از آن به چارچوب روابط دولت-دولت محدود می‌شد تغییر پیدا کرد و اشکال جدیدی از روابط برحسب ماهیت و نقش بازیگران به وجود آمد. در دوران جدید، بازیگران غیردولتی که واجد مقادیر معتدله‌ای از انواع قدرت و ساختار و سازمان منسجم هستند دولت‌ها را وادار به اتخاذ سیاست‌هایی در قبال خود کرده‌اند (Khalilzad & Lesser, 2000, p. 346). برخی از بازیگران غیردولتی به دلیل اشتراک ایدئولوژیک یا اشتراک منافع وارد سطوح مختلفی از رابطه‌ای با دولت‌ها شده‌اند. روابط برخی دیگر از آن‌ها با دولت‌ها نیز به دلیل تقابل ایدئولوژیک یا تضاد منافع دارای ماهیتی سلبی است.

یکی از انواع رابطه که بین دو بازیگر می‌تواند وجود داشته باشد، «رابطه نیابتی»^۲ است. در این نوع از رابطه، یک بازیگر به نیابت از بازیگر دیگر و البته با کسب حمایت او، به نفع بازیگر حامی کنشگری می‌کند. همان‌طور که اشاره شد انگیزه بازیگر تحت‌الحمایه از کنشگری به نفع بازیگر حامی می‌تواند اشتراک ایدئولوژیک، درک مشترک از تهدید یا وحدت منافع باشد. تا زمانی که در ایدئولوژی، درک از تهدید یا منافع، بین دو بازیگر اشتراک وجود داشته باشد این رابطه نیابتی مبتنی بر حمایت و تحت‌الحمایگی ادامه پیدا می‌کند. در صورت واگرایی دو بازیگر در ایدئولوژی یا نابودی دشمن مشترک یا به وجود آمدن تعارض منافع، ماهیت این رابطه نیز تغییر خواهد کرد.

جدول شماره ۱: انواع رابطه نیابتی (منبع: نگارنده)

-
1. Failed state
 2. Proxy relationship

ماهیت بازیگر تحت‌الحمایه (نایب)		انواع رابطه نیابتی بین دو بازیگر	
غیردولتی	دولتی	که به لحاظ ملیت ناهمسان هستند	
دولت - غیر دولت (ترکیه - اخوان المسلمین مصر)	دولت - دولت (آمریکا - عراق) ^۱	دولتی	ماهیت بازیگر حامی
غیر دولت - غیر دولت (القاعده - جبهه‌النصره)	غیر دولت - دولت (القاعده - دولت اول طالبان) ^۲	غیردولتی	

روابط بین زوج‌های نیابتی^۳ معمولاً مبتنی بر حمایت از یکی از طرفین در یک رابطه تخصصی، تقابلی یا رقابتی توسط بازیگر خارج از تخصص است که بازیگر خارجی محسوب می‌شود. اما الگوی دیگری نیز وجود دارد که در آن، دولت از بازیگران غیردولتی داخلی جهت تحقق اهداف خود حمایت می‌کند. در این نوع از رابطه، دولت و بازیگر غیردولتی به لحاظ ملیت و تابعیت همسان هستند. «پاول استانیلند»^۴ بر این باور است اگرچه دولت‌ها همواره از کنشگری و قدرت‌یابی بازیگران غیردولتی داخلی که دارای استعداد نظامی هستند به‌شدت نگران‌اند؛ اما در شرایط بحرانی و از روی اضطرار ممکن است دست‌یاری به‌سوی این بازیگران دراز کنند و وارد انواع مختلفی از روابط ایجابی با آن‌ها شوند. الگوی روابط دولت‌ها و گروه‌های شبه‌نظامی داخلی نشان می‌دهد دولت‌ها بعد از رفع بحران و شرایط اضطراری، از طریق به‌کارگیری چهار استراتژی «سرکوب»^۵، «مهار»^۶، «تبانی»^۷ و «ادغام»^۸

۱. در جنگ تحمیلی هشت ساله علیه جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده آمریکا از عراق به صورت همه‌جانبه حمایت می‌کرد و عراق به نیابت از آمریکا با ایران می‌جنگید.
 ۲. اگر دولت اول طالبان که از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ با نام امارت اسلامی افغانستان بر این کشور حکومت می‌کرد را یک شبه دولت یا دولت دفاکتو (defacto) در نظر بگیریم، در آن مقطع، القاعده به عنوان یک بازیگر غیردولتی جهت تحقق اهداف خود از این شبه دولت حمایت می‌کرد.

3. Proxy Dyads
 4. Paul Staniland
 5. Suppression
 6. Containment
 7. Collusion
 8. Incorporation

برای کنترل یا نابودی بازیگران غیردولتی شبه‌نظامی هم‌پیمان تلاش کرده‌اند (Azad & Ebrahimifar, 2018: 52).

جدول شماره ۲: استراتژی‌های دولت‌ها در قبال گروه‌های شبه‌نظامی حامی خود (Staniland, 2015: 773-775)

شرح	زمان کاربرد	استراتژی
گروه شبه‌نظامی به دلیل ماهیت تهدیدآمیزش باید نابود شود	گروه شبه‌نظامی خارج از آستانه تحمل قرار دارد	سرکوب
از طریق استفاده از حد متعارفی از زور، قدرت گروه شبه‌نظامی باید کاهش یابد تا کاملاً قابل کنترل شود	گروه شبه‌نظامی در مرز خروج از آستانه تحمل قرار دارد	مهار
با گروه شبه‌نظامی توافق صورت می‌گیرد تا در مقابل گرفتن امتیاز حفظ موجودیت خود، اقتدار و حاکمیت دولت را به چالش نکشد	گروه شبه‌نظامی نسبتاً قابل تحمل است	تبانی
جذب گروه شبه‌نظامی به‌عنوان بخشی از ساختار رسمی دولتی که ضمن حفظ موجودیت خود، تحت فرمان دولت عمل می‌کند	گروه شبه‌نظامی قابل تحمل است	ادغام

استانلیند با وارد کردن دو متغیر ایدئولوژی (اشتراک یا افتراق ایدئولوژیک) و ادراک این گروه‌ها از دولت (ادراک تهدیدآمیز یا غیر تهدیدآمیز)، گروه‌های شبه‌نظامی را به سه دسته تقسیم کرده است. از نظر او، گروه‌های شبه‌نظامی بر اساس این دو متغیر، می‌توانند سه وضعیت متحد، خاکستری یا دشمن نسبت به دولت داشته باشند. در تنظیم روابط با دولت، شبه‌نظامیان متحد در وضعیت مصالحه و شبه‌نظامیان دشمن در وضعیت مناقشه یا مصالحه قرار دارند. شبه‌نظامیان خاکستری در برخی موارد در وضعیت مصالحه و در برخی موارد در وضعیت مناقشه قرار دارند (Staniland, 2015: 775). دولت در مواجهه با این سه گونه از گروه‌های شبه‌نظامی، بر اساس این که این گروه‌ها برای دولت واجد ارزش عملیاتی هستند یا خیر، شش استراتژی معرفی کرده است.

جدول شماره ۳: استراتژی دولت در مورد گروه‌های شبه‌نظامی (Staniland, 2015: 779)

ارزش عملیاتی گروه شبه‌نظامی برای دولت			
ندارد	دارد		
استراتژی حامی اضافی: ادغام	استراتژی متحد مسلح: تبانی (عمیق)	متحد	ماهیت گروه شبه‌نظامی بر اساس ایدئولوژی و نوع ادراک تهدید از دولت
استراتژی گروه‌های ناخوشایند: مهار	استراتژی شریک تجاری: توافق	خاکستری	
استراتژی دشمن مرگبار: سرکوب	استراتژی نقش غیرعادی: همکاری (سطحی)	دشمن	

دولت‌ها در شرایط اضطرار از طریق تبانی با گروه‌های شبه‌نظامی متحد تلاش می‌کنند بر بحران‌ها و تهدیدها غلبه کنند. اما با پایان یافتن شرایط اضطرار، فروکش کردن بحران و دفع پایدار تهدید، در صورتی که این گروه‌ها فاقد ارزش عملیاتی باشند تلاش می‌کنند آن‌ها را که حامی اضافی محسوب می‌شوند در ساختارهای رسمی جذب و ادغام کنند. ادغام گروه‌ها شبه‌نظامی در شرایط عادی باعث می‌شود این گروه‌ها به شکل مؤثرتری کنترل شوند. برای دولت‌هایی که در شرایط اضطراری قرار دارند گروه‌های شبه‌نظامی خاکستری همچون یک شریک تجاری محسوب می‌شوند که می‌توان از طریق توافق، حمایت آن‌ها را در برخی حوزه‌ها جلب کرد. لیکن با رفع شرایط اضطراری، به دلیل وجود برخی اختلافات ایدئولوژیک و تلقی تهدیدآمیز گروه‌های شبه‌نظامی خاکستری از دولت، این گروه‌ها برای دولت‌ها ناخوشایند جلوه می‌کنند که باید آن‌ها را مهار کرد. ممکن است در شرایط اضطراری مانند تهاجم خارجی، بین دولت و گروه‌های شبه‌نظامی که به دلیل تضاد ایدئولوژیک و ادراک تهدیدآمیز از دولت، در موضع دشمنی با دولت قرار دارند نوعی همکاری سطحی و موقتی به وجود آید. اما با پایان یافتن بحران، این گروه‌ها در معرض سرکوب دولت قرار خواهند گرفت؛ به‌ویژه اگر دراثنا بحران به دلیل آزادی عملی که

دولت در رابطه مبتنی به همکاری به آن‌ها داده است این گروه‌ها قدرتمندتر شده باشند (Staniland, 2015: 780-781).

«سابین کری»^۱ و همکارانش در سال ۲۰۱۴ پژوهشی حول موضوع شبه‌نظامیان حامی دولت انجام دادند. آن‌ها با مطالعه روند عملکرد شبه‌نظامیان داخلی حامی دولت طی سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۷ در سراسر جهان (به غیر از یوگسلاوی، چکسلواکی، لبنان و سومالی) الگویی ناظر به میزان ریسک افزایش خشونت در اثر به کارگیری شبه‌نظامیان توسط دولت‌ها ارائه کردند. بر اساس این الگو، دولت‌ها در سراسر جهان از طریق تسلیح شبه‌نظامیان حامی خود به استقبال ریسک فزاینده رفته‌اند (Carey and Others, 2015: 24).

روند شکل‌گیری حشدالشعبی

گروه دولت اسلامی عراق و شام (داعش)^۲ در ۹ ژوئن ۲۰۱۴ از مرکز تجمع و استقرار خود در مناطق شرقی سوریه به عراق حمله کرد و توانست با تصرف برق‌آسای مناطق وسیعی از سه استان سنی نشین نینوا، الانبار و صلاح‌الدین و نفوذ به سایر استان‌ها، امنیت پایتخت، مراکز حساس و حیاتی و اماکن مذهبی عراق را با تهدید جدی مواجه کند (Zarean & Islami, 2014: 273). در پی تهاجم داعش به عراق، مرجعیت عالی شیعیان عراق در اقدامی به موقع فرمان جهاد کفائی صادر کردند و از نیروهای مردمی خواستند برای کمک به نیروهای نظامی و امنیتی در دفع تهدید داعش، بسیج شوند (Aljazeera, 2022). شیخ «عبدالمهدی کربلائی»؛ نماینده آیت‌الله سیستانی در خطبه‌های نماز جمعه مورخ ۲۳ تیرماه ۱۳۹۳ در مرقد مطهر امام حسین (ع) در شهر کربلای معلی گفت: «هرکسی که می‌تواند سلاح به دست گیرد و توان مقابله با تروریست‌ها را دارد، برای مقابله با تروریست‌ها داوطلب شود، زیرا دفاع از عراق وظیفه ملی است. مرجعیت شیعه از تلاش‌های نیروهای مسلح عراق در مقابله با گروه‌های تروریستی حمایت می‌کند و این گروه‌ها را به شجاعت و صبر و پایداری دعوت می‌کند زیرا دفاع از عراق وظیفه ملی است و همه باید برای دفاع از عراق وارد عمل

1. Sabine C.Carey
2. ISIS

شوند. عراق با اوضاع بسیار خطرناکی روبه‌رو شده است، باید هوشیار باشیم که دفاع از عراق، مسئولیت ملی و دینی خطیری است زیرا کشور و ملت عراق با چالش و خطری بزرگ روبرو شده‌اند و هدف حمله تروریست‌ها قرار گرفته‌اند و در نتیجه همه اقشار و طوایف ملت عراق در معرض این حمله قرار دارند و همگی باید با صبر و استقامت و شجاعانه سلاح در دست گیرند و با تروریست‌ها مقابله کنند» (Fars news Agency, 2019).

در پی این فراخوان، نیروهای مردمی به‌جای پیوستن به ارتش و سایر ساختارهای دفاعی - امنیتی دولتی، گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به جریان‌ها و احزاب سیاسی که به آن‌ها اعتماد داشتند را برای ادای فریضه جهاد برگزیدند تا در قالب آن‌ها به فتوای مرجعیت پاسخ دهند (Haddad, 2018). نیروهای سیاسی با درک خطر داعش و تهدید حاکمیت، ملت و اماکن مقدسه عراق از سوی داعش، ظرفیت‌ها و استعداد نظامی خود را در اختیار این نهاد تازه تأسیس قرار دادند تا با رعایت اصول و قواعد جنگ همچون تمرکز قوا، وحدت فرماندهی، صرفه‌جویی و غیره، بتوانند در مقابل ماشین جنگی داعش که با اتکا به مراکز ثقل ایدئولوژیک خود و بهره‌گیری از اصول جنگ نامتقارن در حال پیشروی بود ایستادگی کنند. سازمان بدر، جریان صدر، عصائب اهل حق و جنبش نجباء نمونه‌ای از گروه‌های سیاسی هستند که ظرفیت نظامی خود را در اختیار حشدالشعبی قرار دادند تا در شرایط اضطراری به وجود آمده، به دولت عراق در راستای دفع تهدید داعش کمک کنند (Azad, 2016: 40 -60).

گروه‌های نظامی تشکیل‌دهنده حشدالشعبی را می‌توان به لحاظ ماهیت به چند دسته تقسیم کرد:

الف) گروه‌های مسلح شیعه که به احزاب و جریان‌های سیاسی وابستگی دارند: این گروه‌ها به احزاب و جریان‌های سیاسی که سابقه مبارزه علیه رژیم صدام و اشغالگران آمریکایی را در کارنامه خود دارند وابسته‌اند و بازو یا شاخه نظامی آن‌ها محسوب می‌شوند. «سپاه بدر» و «سرایا السلام» دو نمونه از این گروه‌ها هستند که به ترتیب به «سازمان بدر» و «جریان صدر» وابسته‌اند. این گروه‌ها آموزش‌دیده‌ترین، مجرب‌ترین و قدرتمندترین گروه‌های نظامی تشکیل‌دهنده حشدالشعبی محسوب می‌شوند.

ب) گروه‌های مسلح جدیدی که در پاسخ به فتوای آیت‌الله سیستانی به وجود آمدند: این گروه‌ها از داوطلبان شیعه جنوب عراق تشکیل شده‌اند و به لحاظ هدایت، حمایت و سازمان‌دهی، از سوی عتبات مقدسه پشتیبانی می‌شوند.

ج) گروه‌های مسلح کوچکی که به قبایل و عشایر وابسته‌اند: این گروه‌ها عمدتاً در قالب خودیاری و باهدف تأمین امنیت قلمروهای جغرافیایی عشیره‌ای، تشکیل و سازمان‌دهی شده‌اند. برخی از این گروه‌ها با گروه‌های سازمان‌یافته‌تر و بزرگ‌تر متحد شده یا در آن‌ها ادغام شده‌اند. سطح کنترل دولت بر این گروه‌ها بسیار پایین است و این گروه‌ها عمدتاً در راستای منافع قبیله‌ای و عشیره‌ای کنشگری می‌کنند.

د) گروه‌های مسلحی که در امتداد خطوط گسل قومی و مذهبی تشکیل شده‌اند: ترکمن‌ها، شبک‌ها، کردهای فیلی، ایزدی‌ها و مسیحیان دارای واحدهای نظامی مستقل در حشدالشعبی هستند. اهل سنت نیز دارای استعداد انسانی قابل توجهی (حدود ۱۵ هزار نفر) در حشدالشعبی است (Abbas, 2017: 5).

گروه‌های مختلف مقاومت که برای مبارزه با داعش ذیل ساختار حشدالشعبی سازمان‌دهی شدند توانستند با اتکا به عوامل اعتقادی و انگیزشی، نقش مؤثری را در شکست پروژه داعش ایفا کنند. بسیج مردمی عراق (حشدالشعبی) کارسازترین و مؤثرترین نیروی مقابله با پدیده داعش به شمار می‌رود زیرا برای مقابله با تهدید داعش به‌عنوان یک سازمان بانگیزه که ایدئولوژی مرکز ثقل قدرت آن محسوب می‌شود، لازم بود یک سازمان عقیدتی بانگیزه تشکیل شود.

جایگاه حشدالشعبی در عراق ریشه‌دار است و به دلیل عملکرد حشدالشعبی در دفع خطر داعش، این مجموعه نزد بسیاری از مردم عراق از محبوبیت بالایی برخوردار است. این محبوبیت در سال‌هایی که بخش‌های زیادی از خاک عراق در اشغال داعش قرار داشت در اوج بود. نتایج نظرسنجی صورت گرفته از زائران عراقی شیعه در شهر کربلا در سال ۲۰۱۶ نشان می‌دهد ۹۶ درصد از پاسخ‌گویان عراقی از حشدالشعبی حمایت می‌کردند (Christia, 2016: 131).

علاوه بر این، برخلاف تصور عمومی که حشدالشعبی را یک مجموعه کاملاً همگن در نظر می‌گیرند حشدالشعبی از طیف گسترده‌ای از بازیگران وابسته به اقوام، طوایف و گرایش‌های سیاسی مختلف تشکیل شده است. حشدالشعبی با در اختیار داشتن بیش از صد هزار نفر نیرو از ده‌ها مجموعه شبه‌نظامی تشکیل شده است که هر کدام از آن‌ها تاریخچه، گرایش سیاسی و وفاداری ویژه‌ای دارند (Haddad, 2018).

اگرچه ساختار و تشکیلات کنونی حشدالشعبی مرهون فتوای مرجعیت است اما پیش‌ازین، نیروهای مقاومت در قالب تشکل‌هایی مانند سازمان بدر در راستای تأمین امنیت و مبارزه با غیریت‌های خود فعالیت می‌کردند. ظهور داعش نقطه آغاز شکل‌گیری هسته‌های مقاومت یا گروه‌های شبه‌نظامی در عراق به شمار نمی‌رود. گروه‌های مقاومت از مدت‌ها قبل در عراق شکل گرفته بودند و فعالیت می‌کردند و عمدتاً به‌عنوان بازوی نظامی جریان‌ها و گروه‌های سیاسی به شمار می‌آمدند. یکی از مهم‌ترین گروه‌های مقاومت عراقی سپاه بدر است که در زمان حاکمیت حزب بعث بر عراق توسط جمعی از مجاهدین شیعه عراقی برای مقابله با رژیم صدام تشکیل شد. سابقه برخی از مکونات حشدالشعبی به دوران پس از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ و آغاز مقاومت ضد اشغالگری بازمی‌گردد. «جیش‌المهدی» که بازوی نظامی جریان صدر به رهبری مقتدی صدر محسوب می‌شد در سال‌های پس از اشغال عراق توسط آمریکا به‌عنوان بخشی از مقاومت شیعه علیه اشغالگری فعالیت می‌کرد. پس از انحلال جیش‌المهدی، اعضای آن در قالب مجموعه‌های نظامی همچون تیپ یوم‌الموعود و سرایا السلام فعالیت خود را ادامه دادند. تیپ یوم‌الموعود و سرایا السلام نمونه‌هایی از گروه‌های نظامی هستند که سابقه فعالیت آن‌ها، به‌پیش از تهدید داعش بازمی‌گردد. به‌طور کلی برای تکوین، توسعه و فعالیت گروه‌های مقاومت شیعه عراقی چهار مرحله می‌توان شناسایی کرد:

- مرحله اول: مقاومت ضد رژیم بعث عراق (پیش از ۲۰۰۳)
- مرحله دوم: مقاومت ضد اشغالگری آمریکا و متحدانش (۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱)
- مرحله سوم: مقاومت ضد تکفیری در سوریه و دفاع از حرم حضرت زینب (س) (از ژانویه ۲۰۱۳)

- مرحله چهارم: مقاومت ضد تکفیری در عراق و دفاع از حرم ائمه شیعه (ع) (از ژوئن ۲۰۱۴)

پس از سقوط موصل در ژوئن ۲۰۱۴، صدها نیروی عراقی که نقش کلیدی در مهار بحران سوریه، به خصوص تأمین امنیت دمشق ایفا می کردند برای مهار بحران داعش و دفع خطر از بغداد و اماکن مقدسه، به کشور خود بازگشتند (Bell, 2014: 3). بر اساس گزارش‌ها تا ۱۷ ژوئن ۲۰۱۴ حدود ۱۰۰۰ نیروی عراقی برای نبرد علیه داعش از سوریه به عراق بازگشتند (Abi-Habib, 2014). این افراد اغلب از رزمندگان تیپ ابالفصل العباس(ع) و شاخه‌های آن بودند (abna, 2014).

رویکردهای دولت عراق در قبال گروه‌های شبه‌نظامی

دولت نوری المالکی

دو روز بعد از فتوای جهاد کفائی مرجعیت عالی شیعیان عراق داوطلبان زیادی در راستای عمل به فتوای آیت‌الله سیستانی برای مقابله با داعش به محل‌های ثبت‌نام مراجعه کردند و تعداد زیادی از گروه‌های شبه‌نظامی شیعه که در چارچوب نیروهای مقاومت تعریف می‌شوند، برای نقش‌آفرینی مؤثر در چارچوب فتوای مرجعیت اعلام آمادگی کردند. در چنین شرایطی، دولت نوری المالکی که وخامت اوضاع امنیتی را درک کرده بود و به دلیل ناتوانی در پیش‌بینی و مهار تهدید داعش از سوی بازیگران مختلف داخلی و خارجی تحت فشار شدیدی قرار داشت از فتوای مرجعیت و نقش‌آفرینی گروه‌های شبه‌نظامی در راستای مهار تهدید داعش استقبال کرد. فالح فیاض؛ مشاور امنیت ملی عراق اعلام کرد به فرمان نوری المالکی؛ نخست‌وزیر وقت عراق ساختاری با عنوان مدیریت حشدالشعبی تشکیل شده که وظیفه آن سازمان‌دهی تعداد انبوه نیروهای داوطلب جهاد است (Rozbeh & et al, 2022: 50).

دولت حیدر العبادی

روز ۱۷ دسامبر ۲۰۱۴ حیدر الاسدی سخنگوی حشدالشعبی اعلام کرد به دستور نخست‌وزیر حیدر العبادی هیئت مستقلی به نام حشدالشعبی تشکیل شده است (Rozbeh & et al, 2022:)

51) و به این ترتیب ساختاری که پایه‌های آن در اواخر دولت نوری المالکی بنانهاده شده بود، ماهیت رسمی‌تری پیدا کرد. حشدالشعبی در مواجهه مؤثر با داعش نقش برجسته‌ای ایفا کرد و ضمن جلوگیری از پیشروی داعش به پایتخت و عمق مناطق شیعه‌نشین، از مراقد ائمه شیعه (ع) و سایر اماکن مقدسه حفاظت کرد. همچنین حشدالشعبی نقش مهمی در پاک‌سازی بسیاری از مناطق اشغال‌شده توسط داعش ایفا کرد. علیرغم همه این نقش‌آفرینی‌ها و توسعه کمی و کیفی سازمان حشدالشعبی، این سازمان به لحاظ قانونی وضعیت مشخصی نداشت و این وضعیت برای فرماندهان و اعضای حشدالشعبی که درگیر جنگ سنگینی با داعش بودند و هرروز تعدادی از آن‌ها به شهادت می‌رسیدند مطلوب نبود. تا این که در ۲۶ نوامبر ۲۰۱۶، قانون حشدالشعبی در پارلمان عراق به تصویب رسید و گام مهمی برای قانونی شدن این تشکیلات و حمایت دولتی از آن برداشته شد. متن قانون حشدالشعبی به شرح ذیل است.

«این قانون، که طبق بند نخست ماده ۶۱ و بند سوم ماده ۷۳ قانون اساسی عراق تصویب شده، از ۱۱ ماده تشکیل می‌شود که به شرح ذیل است:

ماده اول: طبق قانون مذکور گروه‌ها و تشکیلات حشدالشعبی مجموعه‌های قانونی هستند که ضمن برخورداری از حقوق خود، به‌عنوان نیروی پشتیبان نیروهای امنیتی عراق به وظایف خود متعهد هستند و تا زمانی که تهدیدی برای امنیت ملی عراق محسوب نشوند، حق حفظ هویت و ویژگی‌های خود را دارند.

ماده دوم: عناوین و نام‌ها برای تشکیلاتی که تحت عنوان گروه‌ها و تشکیلات حشدالشعبی مورد اشاره در ماده یک مشخص می‌شود و از سوی کمیسیون امنیت و دفاع پارلمان از طریق هماهنگی با دفتر فرماندهی کل نیروهای مسلح عراق در سایه تدابیری که مستلزم آن است، تصویب می‌شود.

ماده سوم: در صورت وجود تهدیدهای امنیتی که مستلزم دخالت میدانی حشدالشعبی برای دفع و مهار آن باشد، گروه‌ها و تشکیلات وابسته به حشدالشعبی، مأموریت‌ها و فعالیت‌های نظامی و امنیتی خود را به درخواست و دستور فرمانده کل نیروهای مسلح عراق و از طریق هماهنگی با وی، انجام خواهند داد.

ماده چهارم: طبق این قانون، گروه‌ها و تشکیلات حشدالشعبی حق دارند از نیروی لازم و انجام آنچه برای بازداشتن و دفع تهدیدهای امنیتی و تروریستی از عراق و همچنین آزادی شهرها از چنگال گروه‌های تروریستی و حفظ امنیت و نابودی این گروه‌ها و همدستان آنها لازم است، استفاده کنند.

ماده پنجم: در صورتی که تهدیدهای امنیتی عراق را هدف قرار دهند یا نیازهایی که مستلزم باقی ماندن نیروهای حشدالشعبی در حالت آماده‌باش کامل برای دفع این تهدیدها باشد، دولت و پارلمان عراق ملزم هستند وسایل و نیازهای نظامی گروه‌های تشکیل‌دهنده حشدالشعبی و دیگر مستلزمات آنها برای انجام فعالیت‌های امنیتی و نظامی را تأمین کنند. ماده ششم: افراد و وابستگان تشکیلات و گروه‌های تشکیل‌دهنده حشدالشعبی و شهدا، مجروحان و مفقودان آنها از همان حقوق و مزایای بازنشستگی و امتیازهایی مشابه کارمندان وزارت دفاع و کشور عراق برخوردار می‌شوند.

ماده هفتم: در صورت استخدام نیروهای حشدالشعبی در شغل دیگری در چارچوب رسمی دولت، دوره حضور جهادی که نیروهای حشدالشعبی در مقابله با تهدیدهای تروریستی طی می‌کنند نیز برای اهداف خدمات شغلی، ارتقا و بازنشستگی محاسبه می‌شود.

ماده هشتم: دفتر فرماندهی کل نیروهای مسلح و وزارت بهداشت بر اساس اختیارات خود ملزم به حفظ پرونده‌های مرکزی در بغداد هستند تا بدین صورت وقایع و رویدادهای مربوط به خدمت جهادی گروه‌ها و تشکیلات حشدالشعبی و شهدا، مجروحان و مفقودان مناطق عملیات امنیتی در استان‌ها اثبات شود.

ماده نهم: پرونده‌های مرکزی مورداشاره در ماده هفتم، مرجعیت قانونی اداری برای محدودیت‌های مطلوب در انجام قراردادهای مربوط به تثبیت و تصویب حقوق نیروها و شهدا، مجروحان و مفقودان گروه‌های تشکیل‌دهنده حشدالشعبی و تمام آنچه با اثبات صحت صدور اسناد مربوطه ارتباط دارد، به شمار می‌رود.

ماده دهم: شورای وزیران (دولت) دستورات لازم برای تسهیل مفاد این قانون را صادر می‌کند.

ماده یازدهم: این قانون در روزنامه رسمی منتشر و از تاریخ ۱۰ ژوئن ۲۰۱۴ اجرایی محسوب می‌شود.

دلایل تصویب: این قانون باهدف تأمین حمایت قانونی از گروه‌ها و تشکیلات حشدالشعبی که پوشش و مجوز قانونی برای دخالت نظامی آن‌ها و مشروعیت بخشی به اقدامات آن‌ها در جریان درگیری با دشمن در مناطق جنگی را فراهم می‌کند و برای ساماندهی اقدامات و قرار گرفتن این نیروها تحت نظارت دولت قانون و برای این که در آینده نزدیک یا دور به بهانه‌های مختلف اجازه حمله به آن‌ها داده نشود و نیز برای ساماندهی اوضاع مالی و حقوقی آن‌ها، به تصویب رسید» (Mehr News Agency, 2016).

قانون حشدالشعبی باهدف ایجاد یک ساختار قانونی برای حشدالشعبی، مشروعیت دادن به آن و حمایت قانونی از آن تصویب شد. اما برخی سیاسیون عراقی هدف مهم دیگری را در تصویب این قانون دنبال می‌کردند که همان غیرسیاسی کردن حشدالشعبی است. این قانون برای حشدالشعبی یک ساختار فرماندهی و کنترل روشن تحت فرماندهی کل نیروهای مسلح عراق ایجاد کرد. در واقع یکی از پیامدهای این قانون که مطالبه برخی سیاسیون عراقی نیز بود تبدیل یک جنبش پرشور مردمی که برای نجات عراق شکل گرفته بود به یک سازمان ساختاریافته و منضبط است. این مطالبه و نگرانی را از خلال اظهارات سیاسیون عراقی می‌توان درک کرد. بسیاری از سیاسیون عراقی نگران نفوذ و انضباط سازمانی حشدالشعبی و نحوه کنترل آن توسط دولت هستند. از نظر آن‌ها حشدالشعبی توانایی تأثیرگذاری بر روندهای سیاسی را دارد (Abbas, 2017: 8).

حیدر العبادی، نخست‌وزیر وقت عراق، در مارس ۲۰۱۷ در مراسمی در «مؤسسه صلح ایالات متحده»^۱ ضمن قدردانی از کمک‌های حشدالشعبی ادعا کرد برخی از بخش‌های حشدالشعبی در آرزوی کسب قدرت هستند. وی تصریح کرد: «برخی مرتکب جنایت حتی سرقت مسلحانه و آدم‌ربایی شده‌اند و ما با آن‌ها مقابله می‌کنیم». عبادی با تأکید بر این که قاطعانه به نیروهای حشدالشعبی اعلام کرده است که نمی‌توانند در سیاست حضور داشته

1. United States Institute of Peace (USIP)

باشند، گفت: «شما نمی‌توانید سلاح حمل کنید در حالی که یک گروه سیاسی هستید» (usip, 2017).

دولت عادل عبدالمهدی

سیاست کنترل حشدالشعبی در دوره نخست‌وزیری عادل عبدالمهدی نیز ادامه پیدا کرد. عبدالمهدی در دوران مدیریت کوتاه‌مدت خود، بین اکتبر ۲۰۱۸ تا مه ۲۰۲۰، تلاش کرد کنترل دولت بر حشدالشعبی را افزایش دهد. وی در اول ژوئیه ۲۰۱۹، فرمانی شامل ده بند درباره حشدالشعبی صادر کرد. این اقدام عبدالمهدی باهدف اعمال مدیریت مؤثرتر بر حشدالشعبی و ادغام هر چه بیشتر آن در ساختارهای دفاعی عراق صورت گرفت. متن این فرمان به شرح ذیل است:

«بر اساس اقتضای منافع مردم و با توجه به اختیاراتی که قانون اساسی به ما داده است و باایمان به نقش بزرگی که مبارزان حشدالشعبی در حال ایفای آن هستند دستورات زیر صادر می‌شود:

۱. همه نیروهای حشدالشعبی به‌عنوان بخشی جدانشدنی از نیروهای مسلح مشغول به خدمت خواهند بود و همه قوانین حاکم بر نیروهای مسلح به نیروهای حشدالشعبی نیز تسری می‌یابد و درباره آن‌ها هم اعمال می‌شود مگر مواردی که صریحاً در حکم ویژه مشخص شود. نیروهای حشدالشعبی تحت فرمان فرمانده کل نیروهای مسلح خواهند بود و بر اساس قوانین تصویب‌شده در پارلمان عراق و دستورات صادرشده عمل خواهند کرد و مسئولیت این تشکیلات به عهده رئیس هیئت حشدالشعبی خواهد بود که او توسط فرمانده کل نیروهای مسلح تعیین می‌شود.

۲. تمام اسامی که گروه‌های حشدالشعبی در جریان نبرد با داعش داشتند حذف و با نام‌هایی نظامی نظیر (لشکر، تیپ، گروهان و...) جایگزین می‌شود.

۳. گروه‌های وابسته به حشدالشعبی به‌صورت فردی و تشکیلاتی باید تمام ارتباطات خود را با گروه‌های سیاسی قطع کنند.

۴. گروه‌هایی که به عضویت نیروهای مسلح در نمی‌آیند می‌توانند به تشکیلات سیاسی و زیر نظر احزاب در آیند و هرگونه حمل سلاح این گروه‌ها تنها با مجوز و بنا به ضرورت حمایت از مراکز غیرنظامی و فرماندهی و شرایط آنان همانند دیگر گروه‌های سیاسی خواهد بود.
۵. پادگان‌های محل استقرار نیروهای حشدالشعبی کاملاً مانند سایر نیروهای مسلح سازمان‌دهی و مشخص می‌شود و درباره مکان‌های حضور نیروهای حشدالشعبی برای مبارزه بر اساس چارچوب‌های معمول در نیروهای مسلح تصمیم‌گیری خواهد شد.
۶. تمامی مقرهایی که نام گروهی از گروه‌های حشدالشعبی را داشته باشد چه در شهرهای عراق و چه خارج از آن بسته خواهد شد.
۷. وجود گروه مسلحی که به صورت پنهانی یا آشکارا خارج از این دستورالعمل فعالیت می‌کند ممنوع بوده و نقض قانون و مستوجب مجازات می‌شود.
۸. همه دفاتر اقتصادی، ایست و بازرسی‌ها و مؤسسات خارج از تصمیمات جدید بسته می‌شود و سازمان حشدالشعبی بخشی از نیروهای مسلح عراق به شمار خواهد رفت.
۹. آخرین مهلت انجام این اقدامات ۳۰ روز آینده (۳۱ ژوئیه ۲۰۱۹ مصادف با ۹ مرداد ۱۳۹۸) خواهد بود.

۱۰. دستورات دیگر درباره ساختار هیئت حشدالشعبی و تشکیلات آن در آینده صادر خواهد شد» (Tasnim News Agency, 2019).

پس از صدور این فرمان توسط عادل عبدالمهدی، مقتدی صدر در پیامی دستور داد تمام مقرهای سرایا السلام؛ گروه نظامی وابسته به جریان صدر تعطیل و عنوان این گروه تغییر کند. وی تصمیمات اتخاذشده از سوی نخست‌وزیر درباره حشدالشعبی را مهم و گام اول در مسیر تأسیس دولتی قدرتمند دانست و تصریح کرد نیروهای شبه‌نظامی باید دستورهای نظامی دولت را رعایت کنند (قره‌آلپ، ۲۰۱۹). این دستور مقتدی صدر هرگز اجرایی و عملیاتی نشد و سرایا السلام کماکان هویت، مقرها و علائم ویژه خود را حفظ کرد. برخی دیگر از سیاسیون عراقی مانند «عمار حکیم» رهبر جریان حکمت ملی و «قیس خزعلی»؛ دبیر کل «عصائب اهل الحق» این فرمان را گامی در جهت افزایش مشروعیت و قانونیت حشدالشعبی و اقدامی که از انحلال یا ادغام آن جلوگیری می‌کند تفسیر کردند (Islamic Republic,)

16, p. 2019)، اما کاملاً مشخص است که این محدودیت‌ها هدفی جز تبدیل کنش مکونات حشدالشعبی از غیر سیستمی به سیستمی را دنبال نمی‌کنند.

عبدالمهدی مجدداً در ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۹ فرمانی مبنی بر تغییرات ساختاری در حشدالشعبی صادر کرد. در بند یک این فرمان تصریح شد مسئولیت اداره حشدالشعبی که عملاً بر عهده شهید «ابومهدی المهندس»؛ به‌عنوان نایب‌رئیس حشدالشعبی بود بر عهده فالح فیاض، رئیس هیئت حشدالشعبی است. همچنین پست معاون رئیس (نایب‌رئیس) حذف و به‌جای آن، یک دبیر کل و یک رئیس ستاد کل در کنار رئیس حشدالشعبی برای اداره این سازمان تعیین شد تا از نفوذ ابومهدی المهندس جلوگیری شود (Alaca, 2021: 4). البته فرمان عبدالمهدی هرگز عملیاتی نشد و ابومهدی تا زمان شهادت، این تشکیلات را اداره می‌کرد. پس از شهادت وی نیز «عبدالعزیز المحمداوی» معروف به «ابوفدک» از فرماندهان «کتاب حزب الله» اداره حشدالشعبی را بر عهده گرفت (Middle East News, 2020).

دولت مصطفی الکاظمی

در ۳ ژانویه ۲۰۲۰، آمریکا طی یک عملیات تروریستی، سردار قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به همراه مهم‌ترین فرمانده حشدالشعبی؛ ابومهدی المهندس به شهادت رساند. بلافاصله پس‌ازاین اقدام تروریستی، در ۵ ژانویه ۲۰۲۰ طرح اخراج نیروهای خارجی از جمله نیروهای آمریکایی از عراق که به ابتکار جریان‌های حامی مقاومت ارائه شده بود در پارلمان عراق به تصویب رسید. در ادامه، موجی از حملات به پایگاه‌های نظامی آمریکا آغاز شد. آمریکا به دلیل آن که حشدالشعبی بر اساس قانون بخشی از نیروی دفاعی عراق به شمار می‌آید، امکان تحریم آن یا شناسایی آن به‌عنوان یک سازمان تروریستی را نداشت. از این‌رو، آمریکا راهبرد ضربه زدن به گروه‌های مقاومت که ذیل حشدالشعبی فعالیت می‌کردند را اتخاذ کرد. در این راستا، جنبش نجباء و رهبر آن «اکرم کعبی» در فهرست افراد و گروه‌های تروریستی قرار گرفتند. همچنین گروه عصائب اهل الحق و رهبر آن قیس خزعلی نیز به فهرست تحریم‌های آمریکا اضافه شدند. در ژانویه ۲۰۲۰،

وزارت خزانهداری آمریکا تحریم‌هایی علیه فالح فیاض؛ رئیس هیئت حشدالشعبی به دلیل نقض حقوق بشر اعمال کرد و نام ابوفدک در فهرست افراد حامی تروریسم قرار گرفت. در سال ۲۰۲۰، لشکرهای عباس (ع) و امام علی (ع) و تیپ‌های علی‌اکبر (ع) و انصارالمرجعیه که به حشد مرجعیت یا حشد عتبات شهرت دارند اعلام کردند از ساختار حشدالشعبی جدا شده و از این‌پس به‌طور کامل تابع تصمیمات دولت هستند. آن‌ها با اعلام جدایی کامل از حشدالشعبی خواستار پیوستن دیگر واحدهای حشدالشعبی به خود شدند (Middle East News, 2020). در مورد دلایل این جدایی گمانه‌زنی‌های زیادی صورت گرفته است. برخی از تحلیل‌گران معتقدند این چهار گروه به دلیل مخالفت با انتخاب ابوفدک به‌عنوان جایگزین شهید ابومهدی و مطالبه آن‌ها برای ایفای نقش مهم‌تر و جدی‌تر در ساختار فرماندهی حشدالشعبی از این سازمان جدا شدند.

پس از روی کار آمدن مصطفی‌الکاظمی در مه ۲۰۲۰ وی وعده داد که یکی از برنامه‌های اصلی او بازسازی حشدالشعبی و انحصار زور در دولت است. در ۳ ژوئن ۲۰۲۰ مصطفی‌الکاظمی دستوراتی را مبنی بر بسته شدن دفاتر حشدالشعبی در شهرها، تغییر نام مجموعه‌های نظامی به عناوین نظامی مانند هنگ و تیپ، عدم استفاده از پرچم گروه‌های نظامی و ممنوعیت فعالیت سیاسی اعضای حشدالشعبی صادر کرد. در همان ماه، ۱۴ نفر از اعضای کتائب حزب‌الله؛ از مجموعه‌های نظامی وابسته به حشدالشعبی به اتهام مشارکت در حمله موشکی به فرودگاه بغداد و سفارت آمریکا در بغداد، توسط سرویس مبارزه با تروریسم که یک مجموعه امنیتی نزدیک به کاظمی شناخته می‌شود، دستگیر شدند. این افراد با حضور میدانی یگان‌های حشدالشعبی آزاد شدند تا برای نخست‌وزیر موقت عراق ثابت شود کنترل حشدالشعبی بر اساس ملاک‌ها و معیارهای موردنظر او تا چه اندازه دشوار است. در جولای ۲۰۲۰، الکاظمی با انتصاب «قاسم الاعرجی»، «فالح فیاض» را از مسئولیت مشاور امنیت ملی عراق برکنار کرد. فالح فیاض علاوه بر ریاست حشدالشعبی، سال‌ها مسئولیت مهم مشاور امنیت ملی را برعهده گرفته داشت. مصطفی‌الکاظمی می‌خواست از این طریق نفوذ فرماندهان و مسئولین حشدالشعبی در ساختارهای امنیتی عراق را کاهش دهد (Alaca, 2021: 8).

رویکرد بازیگران داخلی و خارجی در قبال گروه‌های شبه‌نظامی

علاوه بر دولت عراق، برخی از جریان‌های سیاسی عراقی نیز خواهان محدودسازی حشدالشعبی شده‌اند. حزب الدعوه که از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸ محور تشکیل دولت در عراق حکومت بود شبه‌نظامیان غیردولتی را به‌عنوان یک موضوع مشکل‌زا می‌دانست. «حزب الدعوه» از نظر تاریخی تنها حزب سیاسی بزرگ شیعه است که برخلاف سایر جریان‌های سیاسی شیعه مانند مجلس اعلی و جریان صدر شاخه نظامی ندارد. نوری المالکی در دور اول نخست‌وزیری خود (۲۰۱۰ - ۲۰۰۶) مقابله با جیش‌المهدی که شاخه نظامی جریان صدر محسوب می‌شد را به‌عنوان یکی از اولویت‌های سیاست داخلی خود در پیش گرفت. وی در این مسیر تا قلع‌وقمع خونین جیش‌المهدی پیش رفت (Mansour & Abdul Jabbar, 2017, p. 12).

جریان صدر نیز از منتقدان حشدالشعبی به‌شمار می‌رود. البته انتقاد جریان صدر از حشدالشعبی نه به دلیل مخالفت مبنایی با وجود ساختارهای دفاعی-امنیتی موازی با ساختارهای دفاعی-امنیتی دولتی بلکه به دلیل میل شدید این جریان برای خارج کردن حشدالشعبی از کنترل جریان‌های سیاسی رقیب مانند سازمان بدر، عصائب اهل الحق، جنبش نجباء، کتائب حزب‌الله و غیره صورت می‌گیرد. صالح محمد عراقی؛ شخصیت مجازی که خود را وزیر مقتدی صدر و سخنگوی این جریان معرفی کرده است در ۱۲ ژوئن ۲۰۲۲ در توییتهای خطاب به حشدالشعبی خواست تا این سازمان خود را با سیاست و تجارت و اختلافات و درگیری‌های سیاسی درگیر نکند. همچنین وی در این تویتهای خواستار تصفیه حشدالشعبی از گروه‌های تبهکار شد (Aljazeera, 2022). مخالفت جریان صدر با حشدالشعبی در حالی صورت می‌گیرد که سرایا السلام که بازوی نظامی جریان صدر به‌شمار می‌آید و یکی از مکونات حشدالشعبی است در اقدامات خود به‌طور کامل تابع مقتدی صدر است و تدابیر و دستورات فرماندهان حشدالشعبی را رعایت نمی‌کند. به‌عنوان نمونه، در اواخر اوت ۲۰۲۲، طرفداران مقتدی صدر با حمایت شبه‌نظامیان سرایا السلام وارد منطقه سیز بغداد شدند و ساختمان پارلمان و نهاد ریاست‌جمهوری عراق را اشغال کردند (Amin, 2022).

جریان‌های سیاسی سنی عمدتاً حشدالشعبی را به‌عنوان یک نیروی نظامی شیعه که به دنبال گسترش نفوذ شیعیان در عراق است در نظر می‌گیرند. طایفه‌گرایی و همچنین چارچوب‌ها و قواعد سیاست ورزی در عراقی که به‌شدت تحت تأثیر عامل «موازنه سازی بین مکونات قومی و مذهبی» است نقش مهمی در این ارزیابی دارند. اهل سنت عراق اغلب شیعیان را به تلاش برای تسلط بر عراق و کنار گذاشتن سنی‌ها از نقش‌های حکومتی و حاکمیتی متهم می‌کنند (Tollast, 2016: 9) و حشدالشعبی را ابزاری مؤثر در دست نیروهای سیاسی شیعه برای تحقق این هدف می‌دانند.

برخی از دولتمردان عراقی به‌ویژه کسانی که در حشدالشعبی نماینده‌ای ندارند خواهان ساماندهی حشدالشعبی به‌عنوان یک بازیگر دولتی هستند. «یاد علاوی»، معاون وقت رئیس‌جمهوری عراق در سخنرانی خود در گفتگوی منامه که در دسامبر ۲۰۱۶ ایراد کرد گفت: «بخشی از حشدالشعبی یک دارایی است. [حشدالشعبی] پاسخی به دعوت مرجعیت برای پیوستن به مبارزه مقدس علیه تروریسم است. با این حال، دیگرانی هستند [که قابل تقدیر نیستند]. کسانی که در حشدالشعبی نیت درستی دارند باید به نهادهای دولتی بپیوندند» (Haddad, 2018). گفتمان مبتنی بر «انحصار سلاح در دولت»^۱ که توسط مقتدی صدر و برخی دیگر از سیاسیون عراقی در مقاطع مختلف به‌ویژه در زمان برگزاری انتخابات پارلمانی یا روند تشکیل دولت به‌شدت تبلیغ و ترویج می‌شود ناظر به خلع سلاح گروه‌های شبه‌نظامی و ادغام کامل حشدالشعبی در ساختارهای دفاعی-امنیتی دولتی عراق است. اگرچه این شعار فاقد پشتوانه اجرایی است و تجربه نشان داده است این گفتمان صرفاً باهدف اعمال فشار بر رقبا، تغییر موازنه قدرت و تحریک اجتماعی مطرح می‌شود.

علاوه بر دولت عراق، سایر بازیگران خارجی که بازیگران سیستمی محسوب می‌شوند خواهان محدودسازی و استانداردسازی کنش گروه‌های نظامی تشکیل‌دهنده حشدالشعبی هستند. «مارک تونر»^۲؛ سخنگوی موقت وزارت امور خارجه ایالات متحده در ۲۳ مارس ۲۰۱۷ اعتراف کرد: «حشدالشعبی واژه‌ای جامع برای توصیف مجموعه‌ای از شبه‌نظامیان شامل

۱. حصر السلاح بيد الدولة

2. Mark Toner

شیعیان، ترکمن‌ها، مسیحیان و اهل سنت است. شایان ذکر است که همه شبه‌نظامیان شیعه مورد حمایت ایران نیستند». باین حال وی نتوانست نگرانی خود را از تأثیر گذاری حشدالشعبی بر روندهای سیاسی عراق پنهان کند: «نخست‌وزیر عبادی اقداماتی را انجام داده است تا حشدالشعبی را تحت کنترل دولت قرار دهد. او این کار را از طریق قانون انجام داده است. او همچنین تلاش کرده است تا اطمینان حاصل کند که گروه‌های مسلح به هیچ وجه در روند سیاسی شرکت نمی‌کنند» (ARA News, 2017).

انتقاد از حشدالشعبی در خارج از عراق عمدتاً از منظر رقابت فرقه‌ای با مضمون قربانی شدن اهل سنت عراق به دست حشدالشعبی یا از منظر ضرورت مقابله بانفوذ ایران در عراق انجام می‌شود. بر اساس دیدگاه رایج در خارج از عراق، درگیری خونین بین حشدالشعبی و اهل سنت اجتناب‌ناپذیر است. به عنوان مثال، «مارک هلر»^۱ در مقاله‌ای که برای «موسسه مطالعات امنیت ملی»^۲ تل‌آویو نوشته در مورد اولویت‌های دولت عراق معتقد است: «به حداقل رساندن دخالت شبه‌نظامیان منفور شیعه که حشدالشعبی از آن‌ها استفاده می‌کند اهمیت ویژه‌ای دارد. غارت‌ها علیه جمعیت محلی سنی پس از آزادسازی فلوجه، شور و شوق باقی‌مانده سنی‌ها را برای یک عراق متحد تحت تسلط شیعیان کاهش داد» (Heller, 2016). در مورد گزارش‌ها و روایت‌هایی که در مورد جنایت‌ها و مصادیق نقض حقوق بشر توسط حشدالشعبی ارائه شده تردیدهای جدی وجود دارد. بسیاری از این گزارش‌ها در راستای تأمین منافع بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای مخالف حشدالشعبی یا به سفارش آن‌ها تهیه می‌شوند. «رابرت تولست»^۳ در مورد بی‌منا بودن بسیاری از ادعاها علیه حشدالشعبی در «نشنال اینترست»^۴ نوشت: «در سال ۲۰۱۵، گزارش‌هایی مبنی بر آتش زدن خانه‌ها توسط نیروهای حشدالشعبی در تکریت پس از اخراج داعش از شهر منتشر شد. بعداً مشخص شد بسیاری از کسانی که اموال را تخریب کردند سنی‌های قبیله «جبور» بودند که از اعضای قبیله «البوعجیل» که متهم به حمایت از داعش بودند، انتقام گرفتند» (Tollast, 2016: 10).

1. Mark Heller

2. Institute for National Security Studies

3. Robert Tollast

4. The National Interest

برخی از کشورهای منطقه نگران هستند که حشدالشعبی در آینده به صورت فراملی عمل کند. حضور بخشی از گروه‌های نظامی تشکیل دهنده حشدالشعبی در سوریه پیش از تهاجم داعش به عراق، این نگرانی را تشدید کرده است. آن‌ها خواهان تلاش دولت عراق برای پاسخگو کردن مکونات حشدالشعبی در قبال اعمال خود هستند. این در حالی است که کشورهایی مانند ترکیه، قطر، بحرین و عربستان سعودی همواره از نیروهای نظامی نیابتی در جهت اهداف و منافع خود حمایت کرده‌اند (Abbas, 2017: 10).

اما دیدگاه رایج در داخل عراق واقع‌بینانه‌تر است و با دیدگاه رایج در خارج از عراق کاملاً متفاوت است. در داخل عراق، حشدالشعبی نه به صورت یک کل یکپارچه بلکه بر اساس مکونات و مجموعه‌های تشکیل دهنده آن قضاوت می‌شود. برای مردم عراق به‌ویژه شیعیان، حشدالشعبی یک سازمان مقدس محسوب می‌شود که عراق را از تهدید تروریسم و تکفیر حفظ کرده است. بسیاری از شیعیان عراق برای مبارزه با داعش ترجیح دادند به جای عضویت در ارتش عراق به گروه‌های شبه‌نظامی تشکیل دهنده حشدالشعبی بپیوندند. بر اساس اعلام منابع رسمی معتبر عراقی، پس از فتوای مرجعیت، ۷۵ درصد مردان ۱۸ تا ۳۰ ساله عراقی برای حضور در حشدالشعبی ثبت‌نام کردند. به دلیل استقبال گسترده مردمی از فتوای مرجعیت، اغلب ثبت‌نام کنندگان در قالب نیروهای ذخیره سازمان‌دهی شدند. این استقبال گسترده مردمی، نفوذ بالای مرجعیت در جامعه شیعه عراق و اعتماد شیعیان عراق به گروه‌های شبه‌نظامی را نشان می‌دهد (Mansour, 2016). برای بسیاری از عراقی‌ها حشدالشعبی یک منبع قابل اتکای امنیتی محسوب می‌شود که می‌تواند عراق و مردم آن را از شر خطرات و تهدیدات حفظ کند. علاوه بر این، هزاران شهیدی که حشدالشعبی در راه حفظ امنیت عراق تقدیم کرده است عمق معنوی و فرهنگی این سازمان را در جامعه عراق به شدت افزایش داده است.

استراتژی دولت عراق در قبال گروه‌های تشکیل دهنده حشدالشعبی

در عراق، دولت بر اساس تعریف وبری وجود ندارد. در این کشور، مجموعه‌ای از مراکز قدرت با سطوح متفاوتی از قدرت و نفوذ، علیرغم وجود تضادها و دشمنی‌های عمیق در

کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، باهم ترکیب می‌شوند و دولت را تشکیل می‌دهند. بنابراین، دولت در عراق امروزی مفهومی شکننده است؛ به‌ویژه با توجه به این که هر یک از گروه‌های قومی-مذهبی که در تشکیل دولت با سایر گروه‌ها تشریک‌مساعی می‌کند به مجموعه‌ای از قدرت‌ها و حامیان خارجی مرتبط هستند و اهداف و منافع حامیان خارجی خود را در داخل تعقیب می‌کنند. برخورداری گروه‌های سیاسی عراقی از بازوی نظامی و توانایی آن‌ها در خشونت‌ورزی و بسیج اجتماعی، شرایط سیاسی-امنیتی عراق را بسیار پیچیده و شکنندگی دولت را به شدت افزایش داده است. ناتوانی جریان‌ها و احزاب سیاسی در دستیابی به توافق برای تشکیل دولت پس از برگزاری انتخابات زودهنگام پارلمانی در سال ۲۰۲۱ و زورآزمایی خیابانی طرف‌های منازعه که بارها به خشونت کشیده شد و عراق را تا آستانه جنگ داخلی پیش برد، نشان می‌دهد نیروهای سیاسی عراقی از توانایی لازم برای حفظ صلح سرد یا صلح مسلح برخوردار نیستند.

بر این اساس، پروژه انحصاری کردن اعمال زور مشروع در دولت، بارها توسط سیاسیون عراقی مطرح شده است که ما به ازای خارجی آن، سازمان‌دهی وضعیت گروه‌های شبه‌نظامی عراقی از جمله گروه‌های نظامی تشکیل‌دهنده حشدالشعبی است. سپاه بدر، سرايا السلام، عصاب اهل الحق، جنبش نجباء، کتائب حزب‌الله و گروه‌های شبه‌نظامی دیگر، واقعیت عراق پس از سال ۲۰۰۳ بوده‌اند. از نظر دولتمردان عراقی، نهادینه شدن حشدالشعبی در ساختارهای رسمی عراق ممکن است به پدیده‌ای فراقانونی، جنبه قانونی ببخشد و از این طریق، پدیده گروه‌های شبه‌نظامی فراقانونی را از قابلیت کنترل بیشتری برخوردار کند.

حشدالشعبی و دولت عراق را نباید و نمی‌توان دو بازیگر ضد یکدیگر در نظر گرفت. حشدالشعبی را نمی‌توان تهدیدی برای دولت عراق در نظر گرفت. مسائلی که در مورد حشدالشعبی در مواردی مانند حقوق بشر، عدم انسجام نهادی، پیوند با قدرت‌های خارجی و غیره مطرح می‌شوند همگی بازتابی از شرایط سیاست و حکومت در عراق پس از ۲۰۰۳ هستند و فقط به حشدالشعبی اختصاص ندارند. حشدالشعبی به دلیل آن که در مواردی مانند بودجه و تسلیحات توسط دولت تأمین می‌شود با دولت عراق پیوند خورده است و بخشی از دولت عراق محسوب می‌شود. امکانات دولتی که در اختیار حشدالشعبی قرار می‌گیرد،

پوشش قانونی را برای حشدالشعبی فراهم نموده و مشروعیت و قانونیت آن را تقویت می‌کند. همچنین حشدالشعبی مشروعیت خود را در صحنه بین‌المللی از ارتباط ساختاری که با دفتر فرماندهی کل نیروهای مسلح عراق دارد به دست می‌آورد. بنابراین در بررسی رابطه حشدالشعبی با دولت، حشدالشعبی کماکان متحد مسلح دولت به شمار می‌رود. علاوه بر این، رویارویی حشدالشعبی با دولت، به احتمال زیاد با مخالفت آیت‌الله سیستانی مواجه خواهد شد و موجودیت به لحاظ مذهبی مشروع حشدالشعبی به مخاطره خواهد افتاد (Haddad, 2018).

با این حال نمی‌توان برخی انحرافات حشدالشعبی از معیارهای دولتی را نادیده گرفت. دولت عراق یک کنشگر سیستمی است که خود را به هنجارهای حقوقی و ساختارها و رژیم‌های بین‌المللی متعهد و پاسخگو می‌داند. در مقابل، برخی از گروه‌های نظامی تشکیل‌دهنده حشدالشعبی از اساس، ماهیتی ضد سیستمی دارند و برخی قواعد و هنجارهای موجود را به رسمیت نمی‌شناسند.^۱ گروه‌های مقاومت عراقی، بر اساس ایدئولوژی و مبانی ارزشی خاص خود، غیریت خود را نیروهای اشغالگر، رژیم صهیونیستی یا رژیم‌های مرتجع منطقه تعیین کرده‌اند و آن‌ها را در عداد دشمن تعریف نموده و هر از گاهی به مقابله سخت و نرم با آن‌ها می‌پردازند. این نوع کنشگری که در چارچوب کنش‌های ضد سیستمی تعریف می‌شود به هیچ وجه مطلوب و مورد قبول دولت عراق به مثابه یک بازیگر سیستمی که خواهان کنشگری بر اساس الزامات سیستم و انحصار حق استفاده از زور مشروع است نیست.

در سال‌های اخیر، توسعه توان رزمی حشدالشعبی باعث افزایش نگرانی‌ها شده است. با نمایش جدیدترین مدل‌های پهپاد حشدالشعبی در مراسم رژه نظامی در ۲۶ ژوئن ۲۰۲۱ که به مناسبت هفتمین سالگرد تأسیس حشدالشعبی برگزار شد بار دیگر توجهات به این سازمان جلب شد. مصطفی الکاظمی، نخست‌وزیر موقت عراق که از زمان تحلیف خود در ماه مه ۲۰۲۰ تغییرات مهمی را در ساختارهای دفاعی و امنیتی باهدف کنترل بیشتر بر این ساختارها

۱. کنشگران ضد سیستمی نظم، قواعد، ساختارها و رژیم‌های موجود در نظام بین‌الملل را عادلانه نمی‌دانند و به عنوان بازیگران فرودست در نظام بین‌الملل که حقوق اساسی، منافع و هویت آنها در معرض تهدید قرار گرفته است تغییر وضع موجود را مطالبه نموده و در این راستا تلاش می‌کنند.

ایجاد کرده هنوز نتوانسته است وعده‌های خود برای کنترل هر چه بیشتر حشدالشعبی را عملی کند. افزایش قدرت حشدالشعبی و تجهیز آن به سلاح‌های ضد هوایی و هواپیماهای بدون سرنشین نشان می‌دهد کنترل این سازمان تا چه اندازه برای دولت عراق سخت است (Alaca, 2021: 2).

در حال حاضر، دولت عراق در قبال حشدالشعبی و گروه‌های نظامی تشکیل دهنده آن، بنا به دلایلی مانند قدرت تحرک و مانور، استعداد نظامی بالا، توان فرماندهی و بسیج اجتماعی این گروه‌ها و مقبولیت اجتماعی از یک سو و ضعف و شکنندگی دولت از سوی دیگر قادر به اجرای راهبردهای مهار و سرکوب نیست. ادغام کامل و عمیق حشدالشعبی در نیروهای دفاعی - امنیتی دولتی نیز کار آسانی نیست. این اقدام علاوه بر این که با مقاومت و مخالفت مکونات حشدالشعبی روبه‌رو خواهد شد به‌طور بالقوه باعث بروز وضعیت و روابط رقابتی غیر سازنده بین نهادهای موازی دفاعی - امنیتی عراق شده و بر توانایی‌های دفاعی و امنیتی دولت عراق اثر منفی می‌گذارد. انحلال حشدالشعبی نیز امکان‌پذیر نیست. انحلال این سازمان باعث بیکاری بیش از صد هزار نیروی نظامی و امنیتی آموزش دیده خواهد شد و نارضایتی آن‌ها و خانواده‌های آن‌ها را به دنبال خواهد داشت. در صورت انحلال حشدالشعبی کنترل حداقلی دولت بر نیروهای شبه‌نظامی تشکیل دهنده آن از بین خواهد رفت و ممکن است برخی از عناصر رهاشده، جذب فعالیت‌های مجرمانه شوند.

دولت عراق در قبال حشدالشعبی و گروه‌های نظامی تشکیل دهنده آن، دو راهبرد تبانی و ادغام را اتخاذ کرده است. این دو راهبرد از آن جهت که حشدالشعبی کماکان متحد استراتژیک دولت عراق محسوب می‌شود و در وضعیت تقابلی یا تخصمی نسبت به دولت عراق قرار ندارد اتخاذ شده است. از یک سو دولت عراق تلاش می‌کند از طریق راهبرد تبانی، در مقابل واگذاری امتیاز حفظ موجودیت به گروه‌های نظامی تشکیل دهنده حشدالشعبی و حمایت قانونی، مالی و لجستیکی از آن‌ها، کنش این گروه‌ها را مدیریت کند به گونه‌ای که این گروه‌ها اقتدار و حاکمیت دولت را به چالش نکشند. از سوی دیگر از طریق راهبرد ادغام، این گروه‌ها را در چارچوب ساختارهای دولتی جذب و پاسخگو کند تا الزامات و فشارهای ساختاری موجب کنترل هر چه بیشتر این گروه‌ها توسط دولت شود. لازم به ذکر

است به دلیل مقاومت مکونات اصلی حشدالشعبی در مقابل تغییرات ساختاری و نمادی و پافشاری آن‌ها برای حفظ هویت‌سازمانی و مقابله با غیریت‌ها، امکان اجرای کامل راهبرد ادغام و هضم کامل حشدالشعبی در ارتش و سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی دولتی وجود نخواهد داشت و این راهبرد صرفاً به صورت سطحی پیاده‌سازی خواهد شد.

با توجه به اوضاع شکننده عراق به ویژه در حوزه امنیتی و وجود هسته‌های خاموش داعش در این کشور و همچنین وجود زمینه‌های بروز بحران‌های دفاعی - امنیتی ادواری در آینده، اتحاد راهبردی حشدالشعبی با دولت کماکان ادامه خواهد یافت و در نتیجه، ساختار و سازمان حشدالشعبی همچنان حفظ خواهد شد و وابستگی آن به دولت عراق ادامه پیدا خواهد کرد. اما این وابستگی مشروط خواهد بود؛ در صورت بروز تعارض‌های شدید منفعت پایه یا هویت پایه غیرقابل مذاکره و غیرقابل مصالحه بین گروه‌های شبه‌نظامی تشکیل دهنده حشدالشعبی و دولت، این گروه‌ها به چالش امنیتی جدی برای دولت تبدیل خواهند شد.

نتیجه

دولت‌ها در شرایط اضطراری و در زمان وقوع بحران‌ها تلاش می‌کنند از همه ظرفیت‌های موجود برای عبور از بحران و خروج از شرایط اضطراری استفاده کنند. گروه‌های شبه‌نظامی یکی از ظرفیت‌های بالقوه‌ای هستند که می‌توانند به دولت‌ها در زمان وقوع بحران کمک کنند. برخی از دولت‌ها در شرایط بحرانی یا حتی پیش از آن؛ برای ایجاد آمادگی مواجهه مؤثر با شرایط بحرانی، نسبت به ایجاد گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به خود اقدام می‌کنند. گروه‌های شبه‌نظامی که توسط دولت ایجاد شده‌اند و کاملاً به دولت وابسته‌اند این امکان را برای دولت فراهم می‌کنند تا از ظرفیت و استعداد آن‌ها در همه شرایط (جنگ، بحران، صلح) و در همه حوزه‌ها (دفاعی، امنیتی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، بهداشتی - درمانی، زیست محیطی و غیره) استفاده کند. سازمان بسیج مستضعفین در ایران نمونه‌ای از سازمان‌های دفاعی - امنیتی ایجاد شده توسط دولت است. در برخی کشورها، گروه‌های شبه‌نظامی از قبل وجود دارند و دولت‌ها نقشی در ایجاد، هدایت و کنترل آن‌ها نداشته و ندارند. در این قبیل کشورها، دولت در شرایط اضطراری و موقعیت‌های بحرانی می‌تواند بر اساس اشتراکات

ایدئولوژیک یا اهداف و منافع مشترک، همکاری گروه‌های شبه‌نظامی را جلب کند. اما چالش اصلی بین دولت و گروه‌های شبه‌نظامی در دوران پس از بحران آغاز می‌شود. این گروه‌ها از یک سو در اثنای بحران مورد حمایت دولت قرار گرفته‌اند و به احتمال زیاد به لحاظ کمی و کیفی توسعه پیدا کرده‌اند و از سوی دیگر به دلیل ایفای نقش مؤثر در مدیریت بحران، از موقعیت سیاسی و اجتماعی بالاتری برخوردار شده‌اند. دولت‌ها در شرایط پس از بحران تلاش می‌کنند از طریق اتخاذ چهار راهبرد سرکوب، مهار، تباری و ادغام، گروه‌های شبه‌نظامی مشارکت‌کننده در مدیریت بحران را کنترل کنند.

چالش دولت عراق با حشدالشعبی پس از عبور نسبی عراق از بحران امنیتی داعش آغاز شد. ارکان اصلی حشدالشعبی را به‌عنوان یک سازمان دفاعی-امنیتی که بر اساس فتوای آیت‌الله سیستانی تشکیل شده است، گروه‌های شبه‌نظامی‌ای تشکیل می‌دهند که از دهه‌ها قبل توسط رهبران، احزاب و جریان‌های سیاسی - اجتماعی عراق ایجاد شده بودند. سپاه بدر، عصاب اهل الحق، سرایا السلام و امثالهم گروه‌های هویتی محسوب می‌شوند که از دهه‌ها قبل، برای مقابله با غیرت‌هایی مانند رژیم صدام، اشغالگران آمریکایی، رژیم صهیونیستی، دولت‌های استبدادی منطقه و غیره تأسیس شده و این غیرت‌ها را به‌عنوان هدف مبارزه خود برگزیده‌اند. حتی برخی از این گروه‌ها پیش از آغاز فتنه داعش، برای مقابله با تکفیر و دفاع از حرم اهل بیت (ع) به سوریه عزیمت کرده بودند. این قبیل گروه‌ها که عموماً عنوان گروه‌های مقاومت به آن‌ها اطلاق می‌شود نیروهای غیر سیستمی یا ضد سیستمی هستند که قواعد و هنجارهای موجود در نظام‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را به دلیل غیرعادلانه بودن معتبر نمی‌دانند و به دنبال استقرار نظم عادلانه هستند.

در دوران پس از بحران، دولت عراق به‌عنوان یک بازیگر سیستمی که خود را نسبت به قواعد، هنجارها و نظم موجود متعهد و پاسخگو می‌داند نمی‌تواند کنش‌های ضد سیستمی گروه‌های شبه‌نظامی که در دوران بحران آفرینی داعش در قالب حشدالشعبی با آن‌ها همکاری کرده و از آن‌ها حمایت و پشتیبانی نموده است را تحمل کند. از این رو از سال ۲۰۱۴ به بعد، دولت‌های حیدر العبادی، عادل عبدالمهدی و مصطفی الکاظمی تلاش کرده‌اند از طریق اتخاذ مجموعه‌ای از راهبردها و اقدامات، این گروه‌ها را هر چه بیشتر کنترل کنند.

این دولت‌ها از میان چهار راهبرد سرکوب، مهار، تبانی و ادغام، دو راهبرد تبانی و ادغام را در دستور کار خود قرار داده‌اند. علت انتخاب این دو راهبرد آن است که اولاً حشدالشعبی و گروه‌های تشکیل‌دهنده آن کماکان متحد راهبردی دولت محسوب می‌شوند و جریان‌های سیاسی که این گروه‌ها بازوی نظامی آن‌ها محسوب می‌شوند در روند سیاسی و در تشکیل دولت مشارکت دارند. ثانیاً حتی در صورت انحراف شدید این گروه‌ها از معیارهای دولت و تبدیل رابطه بین گروه‌های شبه‌نظامی از مصالحه به مخاصمه، دولت عراق توانایی مهار یا سرکوب این گروه‌ها را ندارد.

در راهبرد تبانی، دولت عراق تلاش می‌کند از طریق اعطای برخی امتیازات و از طریق ابزار حمایت‌های مالی و لجستیکی، کنش گروه‌های تشکیل‌دهنده حشدالشعبی را به‌طور نسبی کنترل کند. همچنین در راهبرد ادغام، دولت عراق جذب حشدالشعبی و مکونات آن را در ساختارهای رسمی دفاعی-امنیتی عراق در دستور کار خود قرار داده است و رؤسای دولت عراق فرمان‌هایی را در این رابطه صادر و تدابیری را اتخاذ کرده‌اند. راهبردهای تبانی و ادغام به دلیل مقاومت و مخالفت فرماندهان گروه‌های شبه‌نظامی و پافشاری آن‌ها بر استقلال سازمانی و مبانی ایدئولوژیکی و هویتی خود، امکان اجرای کامل و مؤثر پیدا نکرده است و این دو راهبرد فقط به‌صورت سطحی و صوری اجرا شده‌اند.

در صورت اتخاذ استراتژی‌های ادغام (کامل و عمیق)، مهار (ساختاری یا رفتاری) یا سرکوب توسط دولت عراق، رابطه گروه‌های شبه‌نظامی با دولت از وضعیت مصالحه به وضعیت مخاصمه تغییر یابد. با توجه به این‌که اغلب گروه‌های شبه‌نظامی قدرتمند تشکیل‌دهنده حشدالشعبی به احزاب و جریان‌های سیاسی وابسته هستند که در روند سیاسی عراق مشارکت دارند اتخاذ استراتژی‌های سخت‌گیرانه نسبت به آن‌ها ثبات سیاسی عراق را تحت تأثیر قرار داده و روند سیاسی را با چالش‌های بیشتری مواجه خواهد کرد. از این‌رو پیش‌بینی می‌شود دولت عراق - فارغ از این‌که کدام حزب یا جریان سیاسی محور تشکیل دولت باشد - استمرار استراتژی‌های تبانی و ادغام سطحی در قبال گروه‌های تشکیل‌دهنده حشدالشعبی را در دستور کار خود قرار دهد.

References

- Azad, Amirhamed, Ebrahimifar, Tahira. (2018). *Northern Syrian militias and the future of the Damascus political system*. World Politics Quarterly. 12(1). 49-86. [In Persian]
- Azad, Amir Hamid. (2020). *The pattern of formation and limitation of Hashd al-Shaabi*. World Politics Quarterly. 14(3). 79-102. [In Persian]
- Azad, Amir Hamid. (2016). *The bright shadow of Hashd al-Shaabi*. Tehran: Institute for Strategic Studies Andisheh Sazan-e Noor. [In Persian]
- Fars news Agency. (2019). *Ayatollah's unprecedented fatwa against Takfir. How was Hashd al-Shaabi formed?*, [In Persian]. available in:
<https://www.farsnews.com/news/13980325000460>
- Griffiths, Martin. (2015). *Encyclopedia of international relations and world politics*. Translated by Alireza Tayeb. Che Som. Tehran: Ney Publishing House. [In Persian]
- Gulmohammadi, Ahmed. (2015). *Weber's conceptualization of government*. Quarterly Studies of State. 1(1), 57-80. [In Persian]
- Islamic Republic. (2019) *The announcement of the opinion of Iraqi groups and personalities regarding the 10-point decree of Adel Abdul Mahdi regarding the integration of Hashd al-Shaabi in the army*. Year 41. Number 11471. July 3, 2019. [In Persian]
- Khalilzad, Zalmi. Lesser, Yan (2000). *Strategy for the 20th Century*. translated by the Center for Research and Reviews. Tehran: Amen Publishing House. [In Persian]
- Mehr News Agency. (2016). *The text of the Iraqi Popular Mobilization Law with 11 articles was published*. [In Persian]. available in:
<https://www.mehrnews.com/news/3834631>
- Middle East News. (2020). *What was the main reason for the separation of Atbat subordinate forces from Al-Hashd al-Shaabi?* [In Persian]. available in:
<https://mdeast.news/2020/04/25>
- Qaraalp, Heydar. (2019). *Moqtada Sadr's support for the Iraqi Prime Minister's decision regarding Hashd al-Shaabi*. [In Persian]. available in: <https://www.aa.com.tr/fa>
- Rozbeh, Hossein. Zarean, Ahmed. Aghaei, Hadi. (2022). *Identifying the security components of basic people in Iraq (Case study of Hashd al-Shaabi)*. Defense Policy Quarterly. 31(1). 64-39. [In Persian].

- Tasnim News Agency. (2019). *Abdul Mahdi's new order to organize Hashd Shaabi*. In Persian. available in:
<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/04/10/2044649>
- Zarean, Ahmed. Islami, Hamidreza. (2014). *Investigating the impact of the areas of convergence and divergence of Salafi-Takfiri currents and the survivors of the Baath party on the security crisis in Iraq*. *Foreign Policy Quarterly*. 28(2). 291-265. [In Persian].
- Aljazeera. (2022). *On the anniversary of its founding: The Iraqi Popular Mobilization Forces, from a fighting force to the political corridors*. in Arabic. available in:
<https://www.aljazeera.net/news/politics/2022/6/14>
- Amin, Muhammad Saad. (2022). *Saraya Al-salam, from fighting ISIS to the Green Zone clashes*. [In Arabic]. available in:
<https://asharq.com/ar/17DmUe9dALj0SjTqspO43R->
- Jabbour, Abdullah. (2021). *The Popular Mobilization Forces in Iraq: Between Regional Balances and Local Variables*. Oman: Friedrich-Ebert-Stiftung. [In Arabic]. available in:
<https://library.fes.de/pdf-files/bueros/amman/17861.pdf>
- Mansour, Rinad. Abdul Jabbar, Faleh. (2017). *Hashd al-Shaabi and the future of Iraq*. in Arabic. available in:
https://carnegieendowment.org/files/Paper_Renad_Mansour_PMF_Final_1June.pdf
- Abbas, Hassan. (2017). *The Myth and Reality of Iraq's al-Hashd al-Shaabi (Popular Mobilization Forces): A Way Forward, Published in 2017*. by Friedrich-Ebert-Stiftung Jordan & Iraq. Retrieved from:
<https://library.fes.de/pdf-files/bueros/amman/13689.pdf>
- Abi-Habib, Maria. (2014). *Shiite Militias Decamping From Syria to Fight in Iraq*. *Wall Street Journal*. June 17. Retrieved from:
<http://www.wsj.com/articles/shiite-militias-decamping-from-syria-to-fight-in-iraq-140305> 1977.
- abna. (2014). *Four Thousand Defenders Enter the Zeinab Shrine from Iraq*. Ahlul-Bayt News Agency. June 25. Retrieved from:
<http://www.abna.ir/persian/service/middle/archive/2014/06/15/616256/story.html>.
- Alaca, Mehmet. (2021). *Hashd Al-shaabi in its 7th Year Can it Be Taken Under Control?*. ORSAM. Retrieved from:
https://orsam.org.tr/d_hbanaliz/hashd-al-shaabi-in-its-7th-year-can-it-be-taken-under-control.pdf.

- ARA News. (2017). *US: Iraq Trying to Control Shia Militias, Kurds Fear Future Clashes*. Retrieved from:
<https://avim.org.tr/en/Bulten/US-IRAQ-TRYING-TO-CONTROL-SHIA-MILITIAS-KURDS-FEAR-FUTURE-CLASHES>.
- Bell, Theodore. (2014). *Increased Rebel Unity Threatens Assad In Damascus And Southern Syria*. Institute for the Study of War. October 28. Retrieved from:
http://www.understandingwar.org/sites/default/files/Theo_Damascus_Backgrounder.Pdf.
- Carey, Sabine C. and Colaresi, Michael P. and Mitchell, Neil J. (2015). *Governments, Informal Links to Militias, and Accountability*. Retrieved from:
<https://doi.org/10.1177/0022002715576747>.
- Christia, Fotini. (2016) *To Karbala: Surveying Religious Shi'a from Iran and Iraq*, MIT Political Science Department Research Paper No. 2016-39, October 20, 2016, Retrieved from:
http://web.mit.edu/cfotini/www/Shia_Pilgrims_Survey.pdf.
- Haddad, Fanar. (2018). *Understanding Iraq's Hashd al-Sha'bi: State and Power in Post-2014 Iraq*. Retrieved from:
<https://tcf.org/content/report/understanding-iraqs-hashd-al-shabi>.
- Heller, Mark A. (2016). *Syria and Iraq after the Islamic State, in Strategic Survey for Israel 2016–2017*. ed. Anat Kurz and Shlomo Brom. Tel Aviv: Institute for National Security Studies. Retrieved from:
<http://www.inss.org.il/wp-content/uploads/2017/01/8.pdf>.
- Jones, Seth G. (2012). *The Strategic Logic of Militia*. Rand: national defense.
- Knights, Michael. (2015). *THE LONG HAUL, Rebooting U.S. Security Cooperation in Iraq*. Policy Focus13. The Washington Institute For Near East Policy. Retrieved from:
http://www.washingtoninstitute.org/uploads/Documents/pubs/PolicyFocus137_Knights4.pdf.
- Mansour, Renad. (2016) *The Popularity of the Hashd in Iraq*, Carnegie, February 01, 2016, Retrieved from:
<https://carnegie-mec.org/diwan/62638>.
- Staniland, Paul. (2015). *Militias, ideology, and the state*. Journal of Conflict Resolution. 59(5), The Pearson Institute Discussion Paper No. 23, Retrieved from:

[https://thepearsoninstitute.org/sites/default/files/201702/23.%20Stanil and_Militias%2C%20ideology.pdf](https://thepearsoninstitute.org/sites/default/files/201702/23.%20Stanil%20and_Militias%2C%20ideology.pdf).

Tollast, Robert. (2016). *Inside Iraq's Popular Mobilization Units*. Retrieved from:

<https://nationalinterest.org/feature/iraqs-shia-militias-arent-bad-you-think-16291?page=2>.

USIP. (2017). *Transcript of Prime Minister Haider al-Abadi at the U.S. Institute of Peace*. Retrieved from:

<https://www.usip.org/transcript-prime-minister-haider-al-abadi-us-institute-peace>

استناد به این مقاله: زارعان، احمد. (۱۴۰۲). رابطه دولت عراق و گروه‌های شبه‌نظامی پس از ۲۰۱۴ (مطالعه موردی حشد الشعبی). *دولت‌پژوهی*، ۹(۳۳)، ۷۳-۳۵. doi: 10.22054/tssq.2023.70127.1326



The State Studies Quarterly is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.